

The Qur'anic Doctrine of the “Unified Community” (Ummah Wahidah) in the Civilizational Process based on Verse 213 of Surah Al-Baqarah*

Ali Bayat 

Associate Professor, University of Tehran, Tehran, Iran. abayat@ut.ac.ir

Abstract

Verse 148 of Surat Al-Baqarah is one of the most difficult verses in the Qur'an due to the multiple meanings of the words. Each word in this verse is the subject of disagreement among interpreters, in such a way that they have stated multiple meanings for each word. The multiple semantic possibilities for each word have made it very difficult to understand and interpret the verse and to grasp the message of the verse, in such a way that by calculating the probabilities and multiplying the possible meanings of one word by the possible meanings of other words, we will encounter dozens of different messages. The interpretations of the aforementioned words and consequently the messages derived from them are a matter of reflection and doubt in several respects, some of the most important of which are the confusion of concepts, incompatibility with the context, and disregard for the Qur'anic usage. The selected perspective of the author of this research is to interpret wa li kulli to refer to all divine religions and prophets, to interpret wijhahu to refer to the path and religion, to return the reference of the pronoun huwa to God, to interpret muwalliha to refer to the subject noun, and to interpret fastabiqu al-khayrāt to mean the command to take precedence in doing good deeds. This perspective does

* **Cite this Article:** Bayati. A. (2026). The Qur'anic Doctrine of the “Unified Community” (Ummah Wahidah) in the Civilizational Process based on Verse 213 of Surah Al-Baqarah. *Qur'anic Research* 31(2), p. 5-22.

https://doi.org/10.22081/jqr.2026.74032.4381

Received: 2026 Jan 7

Type of Article: Research Article

Revised: 2026 Apr 17

Publisher: Islamic Sciences and Culture Academy

Accepted: 2026 May 4

©2026/authors retain the copyright and full publishing rights

Published online: 2026 Jun 1



<https://jqr.isca.ac.ir>

not have the shortcomings of other theories and, in addition, it is consistent with the subject of the verse and the principle of continuity of the verses. This research was conducted using the library study method and along with the examination and evaluation of different theories in the interpretation of the verse, and its goal is to criticize and evaluate different theories.

Keywords: interpretation of the verse 148 of Al-Baqarah, pluralism, context, Qibla, doctrine.

آموزه قرآنی امت واحده در فرآیند تمدنی بر مبنای آیه ۲۱۳ سوره بقره*

علی بیات 

دانشیار، دانشگاه تهران، تهران، ایران. abayat@ut.ac.ir

چکیده:

قرآن، کتاب تمدنی نیست، اما به عنوان آخرین و کامل ترین کتاب آسمانی، بسیاری از مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، مبانی، اصول، مؤلفه‌ها، مفاهیم، سازوکارها و راهبردها، اهداف، موانع و چالش‌ها را تبیین و تشریح می‌کند و همچنین الگوهای مختلف تمدنی در سیرتاریخ بشری را معرفی و نقد می‌نماید. این مقاله بر مبنای آیه ۲۱۳ سوره بقره، مفهوم آموزه امت واحد انسانی را در منطق و رویکرد تاریخی قرآن بررسی می‌کند و پیوند بنیادین آن با بعثت انبیای الهی و نزول کتب آسمانی در ظرف و فرآیند تمدنی را نشان می‌دهد. این موضوع به روش تفسیر استنباطی آیه یادشده بررسی گردید و این نتیجه به دست آمد که مردم بر اساس فطرت و سرشت اجتماعی در آغاز تشکیل اجتماع، گروهی واحد با ویژگی‌های زیر بودند: ۱. امت واحده آغاز تاریخ انسانی؛ ۲. سنت اختلاف، عامل اصلی صیروت و فرآیند تاریخی امت واحده؛ ۳. بعثت انبیای الهی و نزول کتب آسمانی در متن و ظرف عینیت اختلافات تاریخی امت واحده؛ ۴. دوری در اختلافات میان امت واحده انسانی برای تنظیم مناسبات فلسفه بعثت انبیا و نزول کتب آسمانی؛ ۵. اختلاف میان حاملان کتاب آسمانی و پیامدهای آن؛ ۶. رویکرد فرآیندی-زنجیره‌ای تاریخی قرآن به تحقق امت واحده. بنابر ویژگی‌های یادشده از منظر قرآن، تا کنون «امت واحده» در سیر فرآیند تاریخی، تحولاتی بنیادین را پشت سر گذاشته است.

کلیدواژه‌ها: آموزه قرآنی امت واحده، امت واحده آغاز تاریخ انسانی، رویکرد فرآیندی-زنجیره‌ای تاریخی قرآن به امت واحده، سنت اختلاف، چالش اصلی امت واحده.

* **استناد به این مقاله:** بیات، علی (۱۴۰۵). آموزه قرآنی امت واحده در فرآیند تمدنی بر مبنای آیه ۲۱۳ سوره بقره. پژوهش‌های قرآنی، ۳۱ (۲)، ص ۵-۲۲.

<https://doi.org/10.22081/jqr.2026.74032.4381>

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۱۴	تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۱۷
ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی	تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۱۰	تاریخ اصلاح: ۱۴۰۵/۰۱/۲۸

© ۱۴۰۵ / نویسندگان دارنده حق مؤلف خود بدون محدودیت هستند.



<https://jqr.isca.ac.ir>

مسئله تحقیق

بیش، رویکرد، مفهوم و بسیاری از مبانی و مؤلفه‌ها و به‌طور کلی ادبیات تمدنی و انگاره‌های رایج آن در مراکز علمی-پژوهشی، زاینده فرهنگ و تمدن دوره پس از رنسانس غرب است. انسان‌محوری^۱، ماده‌انگاری و دنیاگرایی دو ویژگی بنیادین این بیش و رویکرد به تمدن است که به تدریج از سده هجدهم میلادی با دستاوردهای خیره‌کننده علمی و مادی، مظاهر و مآثر تمدن‌های پیشین را از متن به حاشیه راند و تاریخ کنونی و عصر جدیدی به نام مدرنیته را در تقابل و تعارض با عصر سنتی فرهنگ و تمدن پدید آورد. این رویکرد تمدنی به تدریج بر فضای فکری مراکز علمی، آموزش و پژوهشی، دانشمندان و اندیشمندان و نظم و نظام زندگی تمدنی انسان معاصر، سلطه یافت.

سوگ‌مندانه میراث‌داران فرهنگ و تمدن‌های سنتی نتوانستند با خردورزی، تفکر پویا و خلاق مبتنی بر مبانی و موارث معرفتی خود، خوانشی نو از موارث فرهنگ و تمدنی متناسب با مقتضیات و نیازها و مسائل انسان و جهان معاصر ارائه دهند و از گذشته‌گرایی و باور به زیست در سنت‌های نیاکانی صرف خود بیرون آیند.

میراث‌داران فرهنگ و تمدن اسلامی نیز از این قصور یا تقصیر مستثنی نبوده و نیستند. تمدن اسلامی نه تنها در واسطه بودن میان موارث تمدن‌های پیش از ظهور اسلام و تمدن نوظهور غربی و نه تنها در گستره وسیع جغرافیایی و زمانی خود، جایگاه و اهمیتی ویژه دارد، بلکه جزو تمدن‌های نوظهور و درخشان در تاریخ تمدن بشری است که اهمیت خاص آن در قرائت و طرح و الگوی نوینی است که بر مبنای آموزه‌های وحیانی از تمدن ارائه کرد. شالوده و بنیان این تمدن نوظهور که بر آموزه‌های دینی جهان‌شمول اسلام و همچنین سنت و رسول خدا ﷺ استوار بود، در حجاز به مرکزیت مدینه النبی شکل گرفت و در کمتر از یک سده در جغرافیای پهناوری از مرزهای چین در شرق تا آندلس در غرب و از حدود قفقاز در شمال تا یمن و قلب صحاری آفریقا در جنوب گسترش یافت. تمدن اسلامی پس از آن با اخذ و اقتباس انواع موارث تمدن‌های پیشین و جذب و ترکیب آنها با مبانی، اصول و ارزش‌ها و احکام اسلامی، به صورت تمدنی خلاق و شکوهمند در تاریخ بشری ثبت

گردید؛ تمدنی که کمترین دستاورد آن وحدت بخشی و هم گرایی و یکسان سازی میان مشترکات موارث و صورت های متکثر تمدن های بشری بر مبنای محکامات دینی و براساس ذاتیات و سرشت مشترک اجتماع انسانی بود. اما این تمدن نیز مانند دیگر تمدن ها به دلیل سرشت انسانی، اجتماعی و این جهانی بودن و غلبه سنت های تاریخی همچون ابتلا و آزمون، تغییر و تحول و غیره پایدار نماند و به رکود گرایید و سرانجام شاکله و صورت تمدنی اش پس از تهاجم تمدن نوظهور غربی از هم گسیخت (ر.ش: بیات، ۱۳۹۳، ص ۱۰)

براین اساس، مسئله اصلی پیش روی عالمان و اندیشمندان مسلمان این است که نه به نقل و تکرار صرف آموزه های نظری قرآن و سنت یا مظاهر تاریخی و سرگذشت و کارنامه درخشان تمدن اسلامی پردازند که بایسته است متناسب با نیازها، چالش ها و مسائل کنونی جهان اسلام در گستره و در چالش بنیادین با مبانی و مظاهر جهان تمدنی غربی درصدد این باشند که با درس آموزی از مبانی، اصول و کارنامه و دستاوردهای پیشین تمدن ساز اسلامی نه فقط به بازشناسی و بازتعریف تمدن مبانی و مفاهیم فرهنگ و تمدن اسلامی و بازیابی جایگاه، هویت و نقش تمدنی آن در شرایط کنونی پردازند که مقدم بر آن، به موضوع و مسئله بنیادی تر و کلان تر یعنی هستی شناسی، معرفت شناسی و نیز روش شناسی مطالعات تمدنی توجه کنند. نگاه محض نظری- انتزاعی و قرائت سنتی دینی را دگرگون سازند و با تکیه بر عقل و عقلانیت دینی بر مبنای دو منبع معرفتی و مدیریتی اسلام یعنی قرآن و سنت نبوی ﷺ خوانش و طرحی نو از تمدن اسلامی را دراندازند. خوانش و طرحی که بر شناخت و درک شرایط و مقتضیات عصری و نسلی کنونی استوار و نیز روشنگر و پاسخگوی مسائل و نیازهای انسان معاصر، خواه مسلمان یا غیر مسلمان باشد و گرنه، دین ورزی و دغدغه مندی نظری، انتزاعی و سنتی و نیز تأملات اندیشمندان و روشنفکران دانشگاهی بنا بر مفروضات، مبانی و مفاهیم مأخوذ از فرهنگ و تمدن غربی به بازشناسی و ساخت تمدن نوین اسلامی و نیز هویت فرهنگی- تمدنی مسلمانان نخواهد انجامید. در حقیقت اجتهاد فرهنگی و تمدنی از ضرورت های اساسی برای مسلمانان برای خروج آنان از تنگناهای عقب ماندگی تمدنی است.

چنان که گفته شد، قرآن، کتاب تمدن نیست، اما کتاب گفتمان ربوبی، مبتنی بر اصل

ربوبیت الهی در همه ابعاد و مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی مرتبط با زندگانی انسان است که به عنوان آخرین و کامل‌ترین کتاب آسمانی، بیانگر و روشنگر مبانی، اصول، مؤلفه‌ها، مفاهیم، اهداف و آرمان‌ها، موانع و چالش‌ها و نیز معرفی و نقد تجربیات زیسته تمدن‌های مختلف در سیر تاریخ بشری از آغاز تا عصر نزول و نیز هدایتگر تمدنی از عصر نزول تا کنون و تا فرجام تاریخ است. بر این اساس باید از قرآن و سنت خوانشی اجتهادی در چستی و هندسه تمدنی ارائه دهند و نه تنها نظری تا در عینیت و بنا به مقتضیات عصری - نسلی تمدن کنونی موردسنجش و نقد و نظر و آزمون تاریخی قرار گیرد تا روشنگر راه و پاسخ‌گوی مسائل و نیازهای تمدنی مسلمانان در جهان پر چالش تمدنی کنونی باشد.

بررسی و ارزیابی دیدگاه‌های سنتی و آثار چاپ‌شده و به‌ویژه آرا و نظریه‌های تمدن‌پژوهان مسلمان در این مجال نمی‌گنجد، اما باید توجه داشت با نگاه صرف سنتی و نیز بنابر ادبیات و مبانی و مفاهیم تمدنی غرب نمی‌توان از انبوه مسائل و مشکلات درهم‌پیچیده ذهنی و عینی تمدن اسلامی در جهان پیچیده معاصر گرهی گشود. نگاه و نگاه‌های سنتی - به‌ویژه تفسیری - بیشتر بر دالّ و دلالت‌های صرفی و نحوی، لغوی و ادبی یا در چهارچوب تفسیر با روش‌های حدیثی و یا رویکردهای کلامی، عرفانی و فلسفی متکی هستند و نه تمدنی. برخی اندیشمندان و متفکران حوزوی و دانشگاهی اگرچه تأملات جدیدی در این باره داشته و آثار ارزشمندی را نگاشته و منتشر کرده‌اند و افق‌های نو و روشنی را گشوده‌اند، اما با وجود این، هنوز چستی، مبانی و بسیاری از مفاهیم تمدن اسلامی، به‌ویژه چگونگی ساخت آن متناسب با مقتضیات کنونی ناشناخته است و به مطالعات و تأملات بیشتر نیاز دارد.

اما اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی در حوزه مطالعات تمدنی قرآن را به دیده کتاب معرفت و هدایت در نظر می‌گیرند و به تصریح آیات آن دریابند که قرآن، کتابی روشنگر و هدایت‌گر در همه جنبه‌ها و ابعاد زندگانی بشری به‌ویژه در تنظیم مناسبات اجتماعی و فرآیند تمدن‌سازی در طول تاریخ است.

موضوع امت - تمدن در قرآن: نظام معانی و منطق ساخت موضوع همایشی است که به

اهتمام دست اندرکاران پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در دی ماه ۱۴۰۴ در شهر قم برگزار می شود. بدان امید که کوشش اهل نظر و قلم تبیین های نوی از اهداف همایش که نظام معانی و منطق ساخت تمدن در قرآن است ارائه کنند

۱. ضرورت و اهداف تحقیق

الف. ضرورت

از جنبه های مختلف نظری و راهبردی می توان درباره ضرورت موضوع و مسئله این تحقیق یعنی چستی معنایی آموزه امت واحدہ انسانی در منطق و رویکرد تاریخی قرآن بر مبنای آیہ ۲۱۳ بقرہ سخن گفت، اما به نظر نگارنده مهم ترین ضرورت های تحقیق عبارتند از:

۱. بازگرداندن قرآن به عنوان کتاب روشنگر و هدایت گر از مرتبه نقل محض به متن عقل و اندیشه و عینیت زندگانی مسلمانان و از قرائت صرف به تعقل و تدبر در مباحث و مسائل فرهنگی - تمدنی؛ زیرا قرآن، کتاب روشنگر و هدایتگر اجتماع انسانی به سوی تمدن، دستورالعمل سعادت و مرام نامه وحدت و سلامت و تعلیم علم و حکمت است. برای نیل به این مهم، باید حکمت این کلام حکیمانه امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به عنوان روش فهم و تفسیر درک کرد: «... ذلک القرآن فاستنطقوه ولن ینطق ولكن اخبرکم عنه: الا ان فیہ علم ما یاتی، والحديث عنی الماضی، ودواء دائکم ونظم ما بینکم» (نهج البلاغه، خ ۱۵۸)؛ «آن نور روشنگر، قرآن است. شما آن را به گفتار در آورید؛ زیرا خودش هرگز سخن نمی گوید، اما من شما را از معارف و محتویات آن آگاه می کنم. در آن علم آینده (راهبردها)، اخبار گذشته (درس ها و عبرت ها)، درمان و حلال مسائل و مشکلات شما (کاربردها) و نظم و تنظیم امور و مناسبات زندگی اجتماعی شماست (شاکله تمدنی). بدیهی است بدون چنین استنطاق و خوانشی از قرآن، این کتاب جایگاه هدایت گری جامعه اسلامی - انسانی در عینیت و فرایند تاریخی را نخواهد یافت.

۲. کشف معنا و مفهوم واژه امت واحدہ، هم به مثابه نگرش مردم شناسی فرهنگی و هم رویکرد فرایندی تمدنی قرآن به تاریخ و بالمآل تحلیل چگونگی پیوند میان تمدن (ظرف) و تدین (مظروف) در سیر تاریخ بشری از نگاه فرایندی قرآن به امت واحدہ.

ب. اهداف

کشف و تحلیل چهار آموزه بنیادین تمدنی زیر از نگاه قرآن بر مبنای آیه ۲۱۳ سورة بقره از اهداف اصلی و کلان این تحقیق است:

۱. ابتدای تمدن بر بنیان امت واحده انسانی و نه نژاد، قوم و قبیله‌ای خاص از منظر و منطق تمدنی قرآن؛

۲. بعثت انبیای الهی و نزول کتب آسمانی در ظرف تمدن بشری با نقش روشنگری و هدایت‌گری برای حل اختلافات و تنظیم مناسبات امت واحده؛

۳. رویکرد فرایندی - زنجیره‌ای قرآن به امت واحده در بستر و سیر تاریخ و نه رویکرد عصری - نسلی خاص؛

۴. امت واحده آرمانی در فرایند تمدنی - تاریخی تحقق می‌یابد و نه در عصر و نسلی خاص.

گفتنی است نوشته‌ها و تحقیقات متعددی بنا بر مفروضات، مسائل، رویکردها، روش‌ها و اهداف خاص، به موضوع امت واحده در قرآن پرداخته‌اند و ابعادی از آن را کاویده‌اند، اما این پژوهش با نگاه کلان‌نگری تاریخی و رویکرد هستی‌شناختی، جامعه‌شناسی و مفهوم‌شناسی قرآن، امت واحده به مثابه ظرف بعثت انبیای الهی و نزول کتب آسمانی در فرایند تاریخی و تحقق تمدنی و تمدن اسلامی را بر مبنای آیه ۲۱۳ بقره بررسی و تبیین کرده است.

۲. روش تحقیق

از آنجاکه موضوع و مسئله اصلی پژوهش، آموزه امت واحده بر مبنای آیه ۲۱۳ بقره در فرایند تمدنی است، موضوع و مسئله می‌تواند بنابر روش‌های تفسیری همچون تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر ماثور یا روایی، تفسیر عقلی یا موضوعی تحلیل شود، اما نگارنده به سه دلیل زیر از روش تفسیر استنباطی بهره گرفته است:

۱. بنا بر نص حدیث ثقلین، قرآن، اصلی‌ترین و ثقل اکبر میراث رسول معظم اسلام ﷺ برای هدایت نوع بشر است. در منطق و منظومه دینی امامان معصوم (علیهم‌السلام) نیز، قرآن، کلام

خداوند و منبع علم و معرفت گذشته، حال و آینده و شفای دردها و مایه نظم و انتظام زندگی مسلمانان و نوع انسان است، بنابراین مسلمانان در هر عصر و نسلی به حکم مسلمانی باید قرآن را مبنا و منبع و مرجع فکر و اندیشه و عمل خود قرار دهند تا به سوی رشد و پیشرفت و تعالی حرکت کنند.

۲. روش تفسیر استنباطی، روش تفسیری امامان معصوم علیهم السلام و مبنا و معیار و راهنمای آنان در مواجهه با وقایع بود، چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «ذلک القرآن فاستنطقوه ولن ینطق ولكن اخبرکم عنه ...»؛ «آن نور، روشنگر قرآن است. شما آن را به گفتار در آورید؛ زیرا خودش هرگز سخن نمی گوید، اما من شما را از معارف و محتویات آن آگاه می کنم (نهیج البلاغه، خ ۱۵۸).

۳. استنباط به معنی درخواست سخن گفتن از کسی یا چیزی است و استنباط از قرآن به معنی عرضه مسائل مستحدثه در موضوعات مختلف برای استنباط و برداشت و فهم پاسخ های قرآن متناسب با آن مسائل و پرسش هاست. درحقیقت با این روش کاربردی می توان از قرآن به عنوان کتاب روشنگر و هدایت گر مسائل و حلال مشکلات در متن زندگانی انسان این عصر و نسل پاسخ گرفت و آنها را به کار بست. به نوشته یکی از قرآن پژوهان و صاحب نظران معاصر، مطالعه تاریخی جنگ صفین و نیز بررسی عمیق خطبه ۱۵۸ نهج البلاغه به خوبی نشان می دهد که لازم است در هر واقعه ای از قرآن بهره گرفت و آن را به تناسب مشکل پیش آمده، در پی پرسش و فهم صحیح، به نطق آورد تا حل مشکل کند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۶۰).

۴. مفهوم شناسی امت واحدہ درآیہ ۲۱۳ بقرہ

«كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا يَبْغِيهِمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (بقره 213)؛ «مردم

۱. درباره ماهیت، تعریف، ضرورت و مؤلفه های روش استنباطی مراجعه شود به: ایزدی و اخوان مقدم،

یک گروه واحد بودند. پس خداوند پیامبران را نویددهنده و بیم‌دهنده برانگیخت و با ایشان کتاب را به حق فرستاد تا میان مردم به آنچه اختلاف کردند حکم کند و در کتاب اختلاف نکردند جز کسانی که به آنان کتاب داده شد و به ستم و تجاوز میان شان اختلاف پدید آمد. پس خداوند به اذن خود کسانی را که ایمان آوردند به آنچه در آن اختلاف کردند از حق راهنمایی کرد و او هرکس را که خواهد به راه راست هدایت خواهد کرد».

علامه طباطبایی آیه یادشده را چنین تفسیر می‌کند:

این آیه علت تشریع اصل دین و تکلیف کردن انسان را به آن و سبب اختلافاتی را که در آن واقع شده، شرح می‌دهد با این بیان که افراد انسان به حسب فطرت مدنی و اجتماعی و در آغاز تشکیل اجتماع به صورت گروه واحد و یکنواختی بودند. بعداً میان ایشان به مقتضای فطرت، منطقه زندگی و اخلاق و عادات مستند به آن و تفاوت قوا و استعدادهای جسمی و روحی اختلافاتی در کسب مزایای زندگی رخ نمود. رفع این اختلافات و مشاجرات، محتاج وضع قوانین و نظامات مناسبی بود؛ از این رو ایزد متعال پیامبرانی برانگیخت و با ایشان احکام و قوانینی در شکل دین برای بشر فرستاد و بشارت‌ها و تهدیدهایی به آنها ضمیمه کرد... باز در معارف دینی اختلافاتی پدید آمد... این اختلاف به واسطه تعدی کسانی که عالم به کتاب آسمانی بودند و حجت برایشان تمام شده بود، پدید آمد. بنابراین اختلافی که میان انسان‌ها پدید آمد از دو جهت بود یکی از جهت امور دنیوی بود که سبب تشریع دین گردید و دیگری از جهت امور دینی و آن به واسطه تجاوزات حاملین کتاب بود و خداوند مؤمنان را در موارد خلاف به سوی حق راهنمایی کرد و او هر کس را بخواهد به راه مستقیم هدایت می‌کند» (طباطبایی، بی تا، ج ۲، ص ۱۵۳-۱۶۴).

خلاصه اینکه عبارت «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً» در این آیه بر سرگذشت مردم در آغاز تاریخ و تشکیل اجتماع دلالت دارد که به صورت گروهی واحد و یکنواخت، زیستی طبیعی داشتند و هنوز بر سرنوشت خود حاکم نشده و مسیر خود را به سوی وحدت از طریق تمسک به ادراکات فطری نیافته بودند. با توجه به کاربردهای متنوع فعل کان و تأثیر آن در استنباط درست معنا و استنتاج از آیات، متناسب با سیاق آیه، فعل ماضی کان در عبارت «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً» نه به معنای تأمه یعنی اطلاق به گذشته که به معنای ناقصه و به معنای استمرار است یعنی اجتماع انسانی از آغاز و در طول تاریخ تاکنون سرشت واحد داشته است (دراین باره به تفسیر المیزان ذیل آیه ۲۱۳ مراجعه شود) و پس از آنکه مردم در سیر و بستر

تاریخ به تجربه و کنش و واکنش درآمدند، دچار اختلاف شدند. پیام لایه‌های زیرین آیه این است که پس از اینکه جوامع انسانی به اقتضای زیست طبیعی محض، به تدریج از گروهی واحد خارج شدند و به‌سوی زیست فکری و ارادی گام برداشتند، به سبب خودبینی و خودخواهی و پشت سرانداختن دیگران، دستخوش اختلاف شدند و آن وحدت و یکنواختی اولیه از میان رفت. همین بروز اختلاف میان مردم، ضرورت وضع قوانینی برای رفع اختلاف را ایجاب کرد و انبیای الهی مبعوث شدند و کتب آسمانی همراه ایشان نازل گردید تا اختلاف، رفع گردد و مناسبات میان مردم تنظیم شود. درحقیقت معنای «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً» اولاً بر اجتماع واحده انسانی بنابه سرشت واحد آن از آغاز پیدایش در تاریخ تا کنون دلالت دارد و ثانیاً بیانگر رویکرد پدیدارشناسی تاریخی قرآن به اجتماع انسانی است، زمینه‌ها، اسباب، رمز و راز تحول و دگرگونی‌ها، چرایی بعثت انبیای الهی و نزول کتب آسمانی در هندسه و عینیت تاریخ امت واحده انسانی است.

۵. نتایج حاصل از آموزه امت واحده برمبنای آیه ۲۱۳ بقره

۵-۱. امت واحده: آغاز تاریخ انسانی

نخستین مفهومی که از آیه به دلالت لفظی «كان» استنباط می‌شود، مفهوم زمان گذشته و تشکیل اجتماع انسانی به‌صورت امت واحده در آغاز تاریخ است. به اعتقاد علامه طباطبایی فعل کان در ابتدای آیه معنای ثبوت ندارد؛ بلکه به معنی ناقص مستمر است به این معنی که جامعه انسانی از آغاز به‌صورت امت و گروه واحد تشکیل شده و همواره از آغاز تا کنون برای زیست و بقا، نیازمند اجتماع و تعاون و همکاری است. بنابراین «امت واحده» نه به معنای گروه هدایت‌یافته و نه به معنای یک امت گمراه است (ر.ک: طباطبایی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۳-۱۷۵) که گروه واحد به لحاظ ماده و سرشت وجودی و صورت و ساختار، هدف و مقصد واحد از حیث تعیین تاریخی است. بنابراین دلالت معنایی می‌توان گفت اجتماع نوع بشر به‌صورت امت واحده زیستی و طبیعی در تاریخ آغاز شد و جامعه اولیه انسانی متحد و متفق و ساده و بدون اختلاف با یکدیگر زندگی می‌کردند. اگرچه از امت واحده هم در روایات و هم در تفاسیر، اقوال و نظرات مختلفی ارائه شده است برای نمونه گمراه‌بودن به روایت یعقوب بن شعیب از امام صادق (علیه السلام) (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۱۰۴ و ۳۰۶) و نیز آیین واحد به روایت علی بن ابراهیم که مردم پیش از نوح بر آیین واحدی بودند (قمی،

ج ۱، ص ۷۰). اما علامه طباطبایی (ر.ک: طباطبایی، بی تا، ج ۲، ص ۱۷۴-۱۷۵) دو قول یادشده را رد می‌کند و امت واحده را تشکیل اجتماع بنا به سرشت واحد و یکنواخت تفسیر می‌کند. اما اختلافی که بعد بنا بر کشمکش و تعارض نفسانی افراد پدید آمد، وحدت سرشتی و فطری اولیه آن را از میان برد. بنابراین مردم در آغاز که هنوز متفرق نشده بودند به حکم فطرت، گروهی واحد بودند، اما به تدریج پس از بروز تمایلات و اغراض خودخواهانه، منفعت طلبی و غیره دچار اختلاف شدند و همین اختلاف، به تدریج زمینه‌ساز تفرقه، تعارض و چالش‌های بسیاری در آن اجتماع اولیه گردید و در عین حال زمینه نیاز به برطرف کردن اختلافات و تنظیم روابط و مناسبات حسنه میان ایشان را نیز پدید آورد.

۲-۵. سنت اختلاف، عامل اصلی صیروت و فرآیند تاریخی امت واحده

اختلاف، بنیادی‌ترین اصل و سنت تاریخی - و نه فطری - است که قرآن در این آیه بر آن هم به عنوان عامل اصلی محرک و نیز مؤثر در تغییر و دگرگونی امت واحده و صیورت تاریخ انسانی و هم زمینه‌ساز بعثت انبیای الهی و نزول کتب آسمانی برای داوری در اختلافات و رفع آنها تأکید کرده است. این سنت به مثابه آزمونی است که همواره نه فقط دامن‌گیر اجتماع و همه جوامع بشری در سیر تاریخ شده است، بلکه کسانی هم که (مراد عالمان: ر.ک: طباطبایی، بی تا، ج ۲، ص ۱۷۷) کتاب آسمانی بر آنان نازل شد بنا بر سرشت خودخواهی و تجاوز از احکام فطرت و دیانت حقه، گرفتار اختلاف و شبهه در کتاب شدند. بدین سان امت واحده انسانی همچون ظرف و ساختار تغییرات و تحولات تاریخی و صیورت تمدنی بوده است، بنابراین عامل اصلی دگرگونی و تحولات تاریخی در امت واحده انسانی چیزی جز تجاوز از سرشت واحد اجتماع انسانی نبوده است. مؤید این مدعا می‌تواند آیه ۱۱ سوره رعد باشد که می‌فرماید: «لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِّنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْلِهِ وَحَتَّىٰ يُغَيِّرَ أَمْرًا...» (رعد ۱۱)؛ «به امر خداوند نگهبانانی از پیش و پس برای محافظت هر انسانی گماشته شده است و خداوند حال هیچ قومی را دگرگون نمی‌کند تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند و از نیکی به بدی شتایند».

۳-۵. بعثت انبیای الهی و نزول کتب آسمانی در متن و ظرف عینیت اختلافات تاریخی امت واحده

از دیگر ویژگی‌های منطقی و نگاه تاریخی قرآن که می‌توان از این آیه استنتاج و استنباط کرد، این است که بعثت انبیای الهی و نزول کتب آسمانی - نه در خلأ و ذهن و نظر که - در متن، ظرف و عینیت روند و پسماند بروز اختلافات در امت واحده انسانی در سیر تاریخی صورت گرفت؛ امتی که ابتدا در بساطت و سادگی می‌زیست، به تدریج دچار اختلاف شد. این بدان

معنی است که ماهیت امر دعوت انبیا نه نظری و انتزاعی که عینی و کاربردی و برای رفع اختلاف میان مردم بود. بنا بر تفسیر علامه طباطبایی ذیل آیہ:

اینکه از فرستادن پیغمبر (ان) تعبیر به بعث شده و نه ارسال و مانند آن، این است که انسان اولیه گروه واحد و ساده‌ای بود و در حال خمود و آرامش می‌زیست. پیغمبران که آمدند ندای توحید در دادند و بشر را از سکوت خفقان‌آور برانگیختند و او را متوجه سعادت و کمال خود ساخته در شاهره هدایت به‌راه انداختند. این معنی با «بعث» که معنای اش بیدار کردن از خواب و نظیر آن است، مناسب‌تر است و شاید همین نکته موجب این شده که از فرستادگان هم تعبیر به «نبی» شده نه رسول و مرسل. ... و حقیقت بعث و فرستادن کتاب متوجه کردن بشر است به حقیقت وجود و حیات خود... و (اینکه) اکنون در یکی از منازل راه است که حقیقت آن جز بازی و فریب نیست... و همیشه باید در اندیشه این باشد که از کجا و در کجا و به‌سوی کجاست» (طباطبایی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۷-۱۷۸).

به بیان روشن‌تر پیام و مضمون این بخش از آیہ که «فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ...» این است که بعثت انبیای الهی و نزول کتب آسمانی بر مبنای حق در عینیت، سیر ناهموار و اختلاف و تحول حیات تاریخی «امت واحدہ اولیه» صورت گرفت که به تصریح علامه طباطبایی هدایت‌یافته نبود (طباطبایی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۵). برای دعوت به «امت واحدہ ثانویه» که در دیگر آیات قرآن به آن اشاره شده است؛ همچون «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران/ ۱۰۴ و غیره) یعنی این امت واحدہ ثانویه مبتنی بر فطرت الهی است (روم/ ۳۰) و نه صرفاً دعوت به امری انتزاعی و نظری.

۴-۵. داوری در اختلافات میان امت واحدہ انسانی برای تنظیم مناسبات فلسفه بعثت انبیاء و نزول کتب آسمانی

چهارمین پیام و مضمون آیہ این است که امت واحدہ اولیه انسانی، دورانی را متحد و متفق گذرانید، اما پس از آنکه در امور زندگی و وحدت مردم اختلاف پدید آمد، خداوند انبیای الهی را مبعوث گردانید و همراه ایشان کتب آسمانی را نازل کرد تا بر مبنای حق در اختلافات میان مردم داوری شود. بنابراین بروز اختلاف در امت واحدہ اولیه به امور دینی آنان ارتباطی نداشت؛ زیرا بنا بر تأکید علامه طباطبایی دلیل اختلاف نداشتن آنان در امور

دینی این است که بعد از آیه می‌فرماید: «و ما اختلف فيه الا الذين اوتوه بغيا بينهم»؛ درباره کتاب اختلافی نکردند، مگر کسانی که حامل آن بودند و از روی بغی و تعدی اختلاف ایجاد کردند (طباطبایی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۳). نتیجه آنکه داوری در اختلافات پدیدآمده میان امت واحده انسانی به منظور تنظیم مناسبات اجتماعی، فلسفه اصلی بعثت انبیا و نزول کتب آسمانی بوده است.

۵-۵. اختلاف میان حاملان کتاب آسمانی و پیامدهای آن

از منظر و منطق قرآن، اختلاف در امت واحده اولیه زمینه تحول و صیروت در سیر تاریخی آن و ضرورت بعثت پیامبران و نزول کتب آسمانی را فراهم آورد. این ضرورت ناشی از مقتضیات زندگی و حفظ مدنیت و بقای زندگی اجتماعی مردم بود (طباطبایی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۱). دستاورد بعثت پیامبران و نزول کتب آسمانی که دربردارنده مبانی، احکام و اصول مبتنی بر حق داوری در اختلافات و تنظیم مناسبات میان مردم بود، نقطه عطفی در ایجاد و حفظ امت واحده بود که به تدریج عامل هم‌زیستی و هم‌گرایی در جامعه بشری گردید. اما پس از آن دستاورد بسیار مهم یعنی هم‌زیستی و هم‌گرایی، اختلاف دیگری پدید آمد که برخلاف اختلاف اول نه از سوی مردم که از سوی عالمان و حاملان کتاب و ناشی از بغی و تجاوز آگاهانه و عمد آنان در خود کتاب و دین بود (طباطبایی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۷). از آنجاکه این اختلاف دوم بر فطرت الهی مبتنی نبود، قرآن آن را به بغی و تعدی حاملان و عالمان کتاب نسبت می‌دهد. در نتیجه یکی از پیامدهای بس زیان‌بار اختلاف دوم در طول تاریخ ادیان الهی این بود که با وجود همه مبانی و اصول وحدت‌بخش در تعالیم انبیا و کتب آسمانی، تا کنون آن مبانی و اصول نتوانسته است زمینه تحقق مستمر هم‌زیستی و هم‌گرایی در مسیر و هدف نه فقط در اجتماع بشری که حتی میان پیروان ادیان را به وجود آورد؛ نتیجه آنکه این اختلاف، خود، عامل زمینه‌ساز بسیاری از تفرقه‌های درون‌دینی، جنگ‌ها، تباهی‌های ویرانگر و کشتارهای هولناک میان پیروان ادیان شده است. درک اهمیت این روشنگری قرآن در آموزه امت واحده، در حقیقت توجه به اندازی است که در آیه ۲۱۳ بقره به عنوان حال انبیا در ترساندن تجاوزگران و ستمکاران از خشم و عذاب خداوند آمده است (طباطبایی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۸).

۵-۶. رویکرد فرآیندی - زنجیره‌ای تاریخی قرآن به تحقق امت واحده

اصل مهم دیگری که از منظوق آیه قابل استنتاج است رویکرد فرآیندی - زنجیره‌ای قرآن به امت واحده در بستر تاریخ تمدن بشری است و نه رویکرد عصری - نسلی خاص؛ توجه به

درک این نکته مهم است که رویکرد فرایندی قرآن به امت واحدہ انسانی، مبتنی بر سرشت واحد نوع انسانی بنا بر اصل صیروت یا شدن در بستر زمان است و نه رویکرد قومی و قبیله ای یا نسلی و عصری خاص و یا مقید به فرجام تاریخ. بنابراین به دلالت عبارات و مضامین کلیدی آیہ، رویکرد فرایندی - زنجیره ای قرآن مراحل پنج گانه کلان زیر - با توجه به این معنا که این پنج مرحله در هم تنیده اند - قابل استنباط و طرح است:

فرایند و مرحله اول: تشکیل اجتماع انسانی به صورت امت واحدہ در آغاز تاریخ انسانی، این مرحله از فعل «کان» در آغاز آیہ استنباط می شود.

فرایند و مرحله دوم: نخستین اختلاف در امت واحدہ، اختلافی که قرآن پس از تشکیل امت واحدہ اولیہ انسانی از آن یاد می کند، اگرچه دورہ زمانی آن روشن نیست، اما به دلیل آنکه عامل و زمینه ساز بعث پیامبران و نزول کتب آسمانی گردید، دومین دورہ و مرحله مهم زمانی در فرایند دگرگونی و تحول و رشد فکری و معنوی امت واحدہ بوده است.

فرایند و مرحله سوم: بعث انبیا و نزول کتب آسمانی برای داوری میان مردم برای رفع اختلافات. وحدت جوهری و ذاتی همه ادیان مبتنی بر فطرت واحدہ انسانی و حول اصل و محور توحید و اصل هدایت گری آنها بیانگر جایگاه و نقش بنیادین آموزہ های ادیان در امر هم زیستی و هم گرایی میان امت واحدہ است.

فرایند و مرحله چهارم: اختلاف میان عالمان دینی در فهم کتب آسمانی: اگرچه هدف بعث انبیای الهی و نزول کتب آسمانی، رفع اختلاف میان امت واحدہ بود و در وحدت و انسجام بخشی تمدنی آن تأثیر سرنوشت ساز و ماندگاری داشتند، اما عالمان کتب آسمانی به عنوان حاملان آن نتوانستند بر مبانی و نیز سنت و سیره و میراث دینی وحدت بخش انبیای الهی ثابت و پایدار بمانند. علت آن بود که بشر به واسطه نفس تجاوزگر خود، از آن مبانی وحدت بخش و هدایت گر تعدی کرد و نتیجه آنکه امت واحدہ انسانی در فرایند تحقق تمدنی و نیز تمدن اسلامی با چالش ها و ناهمواری های پیچیده ای مواجه شد، اما نباید این حقیقت را از نظر دور داشت که اختلاف در فهم کتب آسمانی مانع بقا، حرکت و استمرار تاریخی امت واحدہ نشده است.

فرایند و مرحله پنجم: حق گرایی، شرط تحقق امت واحدہ در سیر فرایند تاریخ تمدن

بشری: نکته مهمی را که به عنوان چکیده مراحل پیش گفته باید در نظر داشت تا به درک عمیق مرحله پنجم رسید، این است که به زبان فلسفی، امت واحده، ماده و صورت اصلی حیات تاریخی انسان است، اما احکام حق فطرت و دیانت، اساس تحقق امت واحده است. اما بنا بر منطق قرآن، لازمه تنظیم مناسبات و نیل به سعادت امت واحده در هر دوره تاریخی - و نه صرفاً در یک دوره یا نسل خاص - تبعیت از آن احکام حق فطرت و دعوت انبیا و کتب آسمانی است. در این باره علامه ذیل این بخش از آیه که «...فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» نکات قابل تأمل و ارزشمندی را به شرح ذیل بیان کرده است:

«من الحق» را برای توضیح «ما اختلف فيه» آورده شده، یعنی خدا مؤمنان را به حقی که مورد اختلاف بود هدایت فرمود... و راهنمایی پروردگار در اینجا متعلق به هر دو اختلاف است؛ هم اختلاف در شئون حیاتی و هم در معارف الهی که عامل اصلی اش بغی حاملین کتاب است... و علت و نکته اینکه هدایت پروردگار به اذن مقید شده این است که (امر) هدایت بندگان ... و مؤمنان هم به اذن اوست (طباطبایی، بی تا، ج ۲، ص ۱۸۱-۱۸۲)

و در ادامه این موضوع را مطرح می کنند که:

هرگاه فطرت و خلقت، اقتضای چیزی را داشت اقتضای خلاف آن را نخواهد داشت... (و این) با تجربه و استدلال ثابت شده است؛ و اما اینکه تعلیم و تربیت دینی که از مصدر وحی و نبوت صدور می یابد می تواند اختلاف و فساد را رفع کند نیز موافق بحث و تجربه است؛ اما بحث استدلالی: برای اینکه دین دعوت به معارف حق و اخلاق فاضله و افعال حسنه می کند و مایه سعادت بشر و صلاح عالم انسانیت... و اما تجربه، اسلام این مطلب را در مدت کوتاهی که دین بر اجتماع مسلمین حکومت داشت به خوبی اثبات کرد، افرادی را تربیت نمود که خودشان به زیور صلاح آراسته شدند و دیگران را نیز صلاح و پاکیزه نمودند (طباطبایی، بی تا، ج ۲، ص ۱۸۵-۱۸۶).

عبارات یادشده نشان می دهد تجربه تاریخی تشکیل امت واحده اسلامی با ظهور اسلام در دوره نبوی و گسترش و اثرگذاری فرهنگی - تمدنی آن را باید به مثابه حلقه ای درخشان از زنجیره امت واحده در فرایند تاریخ دید و ارزیابی کرد.

نتیجه گیری

آموزه امت واحده از مفاهیم کلیدی و بنیادی در مطالعات اجتماعی و تاریخ تمدنی است که

در حوزه منطق و رویکرد تاریخی قرآن و پیوند مبنایی آن با بعثت انبیای الهی و نزول کتب آسمانی در ظرف و فرایند تمدنی مطرح می‌شود. این موضوع بر اساس آیہ ۲۱۳ سورہ بقرہ و به روش تفسیر استنباطی بررسی گردید و نتایج زیر به دست آمد:

۱. فطرت، ماده و صورت امت واحدہ انسانی از آغاز تاریخ تا کنون و تا آیندہ نامعلوم است.

۲. تاریخ انسانی با صورت امت واحدہ اولیه آغاز شد و جامعہ، دوران نامشخصی را بر حسب فطرت مدنی و اجتماعی به صورت گروه واحد و یکنواخت، متحد و متفق و ساده و بدون اختلاف گذراند.

۳. اختلافی که در امت واحدہ اولیه پدید آمد، زمینه و عامل اصلی صیروت و فرآیند تحولات تاریخی و به ویژه بعثت انبیای الهی و نزول کتب آسمانی گردید.

۴. بعثت انبیای الهی و نزول کتب آسمانی در متن و ظرف عینیت و پیامد بروز اختلافات تاریخی امت واحدہ، صورت گرفت.

۵. داوری در اختلافات میان امت واحدہ انسانی برای تنظیم مناسبات و رفع اختلافات، فلسفہ اصلی بعثت انبیا و نزول کتب آسمانی بود.

۶. اختلاف میان حاملان کتاب آسمانی، ناهمواری راه تحقق امت واحدہ انسانی را بیش از پیش آشکار ساخت و نشان داد تا زمانی که جوامع انسانی به حق ایمان نیاورند، هدایت نمی‌یابند، اختلافات رفع نمی‌شود و امت واحدہ تحقق نخواهد یافت.

۷. رویکرد قرآن به تحقق امت واحدہ، فرایندی - زنجیره ای و مرحله ای در سیر و صیروت تاریخی است و به قومی و قبیله ای یا نسلی و عصری خاص یا به فرجام تاریخ مقید نیست. به بیان روشن تر از منظر کلان نگرایی تمدنی قرآن، امت واحدہ، ماده و صورت و ظرف و موضوع اصلی تمدن است که تحقق آن متناسب با شرایط و مقتضیات در هر دورہ تاریخی مبتنی و مشروط بر رفع اختلاف در مناسبات بر اساس احکام و اصول فطرت و نیز احکام کتب آسمانی نازل شده بر انبیای الهی است.

منابع

قرآن

نهج البلاغه

- ابن سعد، محمد؛ الطبقات الكبرى؛ بيروت: دار للطباعة والنشر، ۱۴۰۵ق/ ۱۹۸۵م.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول؛ تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۴۰۰ق.
- ایزدی، مهدی و زهره اخوان مقدم؛ «ضرورت، ماهیت و روش استنتاج از منظر روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)» دوفصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث؛ س ۶، ش ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۲.
- بیات، علی؛ «بایسته‌های دوره‌بندی تمدن اسلامی»، فصلنامه نقد و نظر؛ س ۱۹، ش ۲، ۱۳۹۳.
- جوادی آملی، عبدالله؛ قرآن در کلام علی ۷؛ قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶.
- طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان؛ ترجمه؛ محمدتقی مصباح یزدی؛ قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، [بی تا].
- عیاشی، محمد بن مسعود؛ تفسیر العیاشی؛ تحقیق و تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی؛ ۲ج، تهران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ق.
- قربانخانی، امید؛ «واکاوی مؤلفه‌های مفهومی استنتاج در روش تفسیری شهید صدر»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های قرآنی؛ س ۲۷، ش ۱، بهار ۱۴۰۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ قم: دار الحدیث، ۱۳۷۸/ ۱۴۲۹ق.